



پښتونستان ګاه علوم انساني و مطالعات فرېنجي
پرتال جامع علوم انساني

پيغش حقوق



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جرایم مشابه و تشدید مجازات نقد و توجیه یک رویه قضایی

دکتر محمود آخوندی*

مقاله حاضر ابتدا با بیان مفهوم تشدید مجازات و نحوه تشدید آن، در بخش سوم به تحلیل علمی رأی وحدت رویه شماره $\frac{۶۰۸}{۷۵/۶/۲۷}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور می‌پردازد و ضمن بررسی گونه‌های مختلف چک بلامحل، رأی مذکور را نقد می‌کند. سپس در پایان با مورد توجه قرار دادن این نکته که از سویی قانون‌گذار نحوه تشدید کیفر را در قانون تعیین نمی‌کند و از سوی دیگر نمی‌توان در اعمال مجازات‌ها به قاضی اختیارات وسیع داد، روش دیوان عالی کشور را در صدور رأی مذکور بسیار عاقلانه و توجیه‌پذیر معرفی می‌کند.

مقدمه

در رأی وحدت رویه شماره $\frac{۶۰۸}{۷۵/۶/۲۷}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده است:
«نظر به این که صدور چک‌های بلامحل و وعده‌دار و تضمینی و غیره، موضوع مواد ۳ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاحی آن در سال ۱۳۷۲ در صورتی

که از جانب یک نفر انجام شده باشد از نوع جرایم مختلف نبوده بلکه جرایم مشابهی هستند که در کلیه آنها با گذشت شاکی خصوصی و یا پرداخت وجه چک تعقیب مشتکی عنه موقوف می شود لذا تعیین مجازات متهم با عنایت به این که مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی سابق منسوخه می باشد، بایستی بر طبق قسمت ۲ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به عمل آید و در نتیجه تعیین مجازات های جداگانه برای هر یک از جرایم فوق خلاف منظور مقنن است و هم چنین تعیین مجازات برای متهم به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون این که نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد، فاقد وجاهت قانونی است...»

برای آشکار شدن ارزش علمی و عملی رأی فوق و چگونگی تطبیق آن با معیارها و موازین قضایی شناخته شده داخلی و خارجی بهتر است ابتدا با مفهوم تشدید مجازات آشنا شویم و سپس طرز تشدید مجازات را در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران توضیح دهیم. در این صورت رأی بالا ماهیت علمی - قضایی خود را به خوبی نشان خواهد داد.

(۱) مفهوم تشدید مجازات

سابقه تاریخی

دادرسی های کهن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها را نمی شناخت. بدون این که اعمال ممنوعه از پیش مشخص شود و مجازات آن معلوم باشد مرتکبین جرایم را به پای میز محاکمه می کشاندند و به دلخواه مجازات می نمودند. شاید چنین عملکردی امروزه به نظر ما بسیار تعجب آور باشد، اما تاریخ نشان می دهد که قرن ها طول کشید تا بشریت به این توحش و بی عدالتی خاتمه داد و به قاعده مهم و سرنوشت ساز قانونی بودن مجازات ها پی برد، ارزش آن را شناخت و به آن تمکین کرد و فهمید که بدون اعلام قبلی نباید اعمال افراد را جرم شناخت و مجازات نمود.

مجازات‌های ثابت

با شناختن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و پی‌بردن به اهمیت و عظمت آن، این مشکل به وجود آمد که کیفرها را چگونه باید تعیین کرد؟ ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اندیشه در این رهگذر پذیرش سیستم مجازات‌های ثابت بود؛ بدین صورت که برای هر جرمی یک مجازات خاص مقرر کنند و دادرسان را وادارند تا آن کیفر را درباره عمل ارتكابی مورد حکم قرار دهند؛ بدون این‌که حق داشته باشند آن را تغییر دهند و یا تبدیل نمایند و یا مورد تشدید و یا تخفیف قرار دهند؛ به عبارت شفاف‌تر مجازات ثابت و یک کلام باشد.

در مقررات جزایی حمورابی^۱ نمونه‌های بسیاری از این‌گونه کیفرهای ثابت را می‌توان مشاهده کرد. در این قانون نامه آمده است:

اگر شخصی، شخص دیگری را متهم کرده و او را مسئول قتل دانست اما آن را

اثبات نکرد، متهم کننده باید به قتل برسد^۲

نیز در همان منبع می‌خوانیم:

اگر شخصی در موردی شهادت اشتباه داد و سخنی را که ادا کرده بود ثابت نکرد، اگر

آن موردی بود که با زندگی سر و کار داشت آن شخص باید به قتل برسد.^۳

هم‌چنین در قانون نامه فوق آمده است:

اگر شخصی اموال یک معبد یا محل دولتی را سرقت کرد، آن شخص باید به قتل

برسد. هم‌چنین کسی که اجناس دزدی را از دستان سارق دریافت کرد باید به قتل

برسد.^۴

بشر متفکر و اندیشمند به مرور دریافت که سیستم مجازات ثابت نیز دردی را دوا نمی‌کند، زیرا عدالت جزایی گاهی ایجاب می‌کند تا درباره بزهکار مجازات بیش‌تری مورد حکم قرار گیرد و زمانی نیز به عکس، عدالت اقتضای انشای مجازات خفیف‌تری را دارد. سیستم مجازات ثابت، به این‌گونه نیازها پاسخگو نیست و امکان نمی‌دهد تا مجازات با فرد فرد مجرمین تطبیق گردد. پس چه باید کرد؟

تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات‌ها

عدم توفیق روش مجازات‌های ثابت در تأمین عدالت واقعی کیفری به زودی بر همگان آشکار شد و این فکر به وجود آمد که برای تعدیل روش مجازات‌های ثابت باید چاره‌جویی کرد و این اندیشه ظاهر شد که بهتر است برای مجازات‌ها حداقل و حداکثر در نظر گرفته شود تا قاضی بتواند بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی، برای عمل ارتكابی مجازاتی متناسب با شخصیت متهم و وضعیت خاص ارتكاب جرم برگزیند و مورد حکم قرار دهد.

به نظر می‌رسید که در این صورت علاوه بر این‌که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها با تمام ارزش‌های خود حفظ می‌شود قاضی نیز در برابر یک مجازات ثابت و یک کلام قرار نمی‌گیرد و از این طریق بهتر می‌تواند عدالت واقعی کیفری را تأمین کند و به ندای وجدانی خود پاسخ گوید. در حقیقت اختیار دادرس در تعیین میزان مجازات بین حداقل و حداکثر، نقش دادرس را در رسیدگی‌ها سازنده‌تر می‌کند و دیگر قاضی به یک تعیین‌کننده خودکار مجازات‌ها تبدیل نمی‌شود.

دست‌اندرکاران جزایی بعد از پی‌بردن به این راه‌حل، بسیار خوشحال و راضی به نظر می‌رسیدند و بر خود می‌بالیدند، زیرا می‌پنداشتند این روش اجرای واقعی عدالت را بهتر تأمین می‌کند. البته این پندار تا حدودی واقعیت نیز داشت، چرا که برای اجرای عدالت خیلی بهتر و مناسب‌تر از سیستم مجازات ثابت بود.

لیکن این خوشحالی نیز دیری نپایید و اندیشمندان و متفکران به زودی دریافتند که نه تنها روش مجازات‌های ثابت عدالت واقعی کیفری را تأمین نمی‌کند، بلکه روش تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات نیز چنگی به دل نمی‌زند.

کیفیات مشدده و کیفیات مخففه^۵

مصلحت جامعه و اقتضای عدالت کیفری ایجاب می‌کند تا در مواردی دادرس امکان داشته باشد که بتواند میزان مجازات را درباره بعضی از متهمان بیش از حداکثر کیفر قانونی عمل ارتكابی انشا کند و گاهی نیز مجاز باشد میزان آن را از حداقل مجازات

قانونی عمل ارتكابی، کم‌تر مورد حکم قرار دهد.

این طرز تفکر سبب شد تا کیفیات مشدده و مخففه به تدریج وارد سیستم دادرسی‌ها شود؛ بدین توضیح که: در بعضی موارد دادرس بتواند میزان مجازات را از حداکثر کیفر قانونی عمل ارتكابی بیش‌تر تعیین کند و آن را کیفیات مشدده نامیدند و زمانی نیز دادرس بتواند کیفر را از حداقل مجازات قانونی جرم ارتكابی کم‌تر انشا نماید و آن را کیفیات مخففه خوانند.

به این ترتیب نظریه کیفیات مشدده، یعنی انشای مجازات بیش از حداکثر مجازات قانونی عمل ارتكابی و کیفیات مخففه یعنی تعیین مجازات کم‌تر از حداقل مجازات قانونی عمل ارتكابی، قدم به عرصه وجود نهاد و در دادرسی‌های جزایی قلمرو اجرایی وسیعی یافت.

چنان‌که شرح آن گذشت تعیین کیفر بین حداقل و حداکثر در اختیار قاضی است و یک سیستم قضایی ویژه‌ای می‌باشد که بدون توسل به جهات مخففه یا مشدده اعمال می‌شود. اما همین که کیفیات مشدده مورد توجه قاضی قرار گرفت باید میزان کیفر را بیش از حداکثر تعیین کند؛^۶ هم‌چنان‌که اگر به کیفیات مخففه اشاره نمود باید میزان مجازات را از حداقل قانونی کم‌تر تعیین نماید.

در این نوشتار تنها کیفیات مشدده در مفهومی که بیان شد مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و از ابعاد مختلف بررسی خواهد شد تا ارزش واقعی مبانی علمی - قضایی رأی وحدت رویه مورد نظر به درستی روشن شود.

۲) نحوه تشدید مجازات

جهات تشدید

موارد تشدید کیفر را قانون تعیین می‌کند و دادرس حق ندارد بدون نص صریح قانونی کیفر عملی را تشدید نماید. مقنن گاهی به عللی برای عمل ارتكابی مجازات شدیدتری انشا می‌کند و گاهی نیز به دادرس دستور می‌دهد تا در شرایط خاص، کیفر متهم را

تشدید نماید که اولی را کیفیات مشدده قانونی گویند و دومی را کیفیات مشدده قضایی در سیستم های جدید کیفری در دو مورد قانون گذار دادرسان را مکلف می کند تا برای متهم کیفری شدیدتر اناشا کنند: ۱- تکرار جرم ۲- تعدد جرم. از آن جا که رأی هیئت محترم دیوان عالی مربوط به فرض دوم می باشد، لذا چگونگی تشدید کیفر در تعدد جرم به طور مختصر توضیح داده می شود.

چگونگی تشدید کیفر در تعدد جرم

ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی چگونگی تشدید کیفر را در موارد تعدد جرم مقرر می کرد. هر چند این ماده با توجه به نسخ صریح قانون مجازات عمومی در حال حاضر کاربرد قانونی ندارد ولی محتوای آن از نظر علمی دارای اهمیت فراوان می باشد و در شناساندن مبانی تشدید کیفر در موارد تعدد جرم از اهمیت خاصی برخوردار است، از این رو فرازهایی از آن را برای آگاهی هر چه بیشتر تر خوانندگان عزیز بیان کنیم تا مبناي تشدید کیفر و نحوه عمل در این رهگذر مشخص شود. برابر ماده یاد شده:

الف - هرگاه جرایم ارتكابی از سه جرم بیش تر نباشد دادگاه مکلف است برای هر یک از آن جرایم ارتكابی حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد.

ب - هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد دادگاه مجازات هر یک از جرایم را بیش از حداکثر مجازات قانونی معین می کند بدون این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز کند.

ج - هرگاه مجازات فعل ارتكابی فاقد حداکثر و حداقل باشد دادگاه تا یک ربع مجازات مقرر قانونی را به مجازات اصلی اضافه می کند.

د - اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد مجازات تا نصف اضافه می شود.

ه - مقررات تعدد در امور خلافی جاری نمی شود.

و - در صورتی که چند مجازات حبس بعضاً با جزای نقدی توأم باشد، مجازات حبس بیش تر به علاوه جزای نقدی که مبلغ آن زیادتر است اجرا خواهد شد.

در کلیه این موارد تنها مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته می شد. لیکن این مقررات

در قانون مجازات اسلامی ذکر نشده و در حال حاضر معادل ندارد و چون قانون مجازات عمومی نیز نسخ گردیده است لذا بلا تکلیفی عجیبی در محافل قضایی و محاکم به وجود آمده است که در موارد تعدد، چگونه باید کیفر را تشدید نمود؟

مقررات قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در این رهگذر مقررات ویژه‌ای وضع کرده است. مقرراتی که از یک جهت بسیار مبهم و مجمل است و از طرف دیگر کامل نبوده و پاسخ‌گوی همه نیازها نیست.

ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی حکم سه فرض را به طور جداگانه بیان می‌نماید:

یک - در تعدد جرم هرگاه جرایم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرایم مجازات جداگانه‌ای تعیین شود.

دو - در مورد تعدد چنانچه جرایم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد.

سه - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است.

توجه به مقررات مزبور می‌رساند که در تعدد جرم مقنن بین حالتی که جرایم ارتكابی مختلف باشد و حالتی که جرایم ارتكابی از یک نوع باشد، قائل به تفکیک شده و در جرایم از انواع مختلف، قاعده جمع مجازات‌ها را پذیرفته است؛ بدین معنا که دادرس برای هر جرم مجازات مربوطه را تعیین می‌کند و کلیه آن‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود که از موضوع مورد بحث خارج است. اما اگر جرایم ارتكابی از یک نوع باشد برای همه آن‌ها یک مجازات انشا می‌شود و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد.

آنچه دادگاه‌های رسیدگی‌کننده را به تفکر واداشته و هر یک طبق سلیقه خود از جرایم مختلف و نحوه تشدید کیفر برداشت کرده‌اند این است که قانون‌گذار نه ضابطه‌ای برای تشدید کیفر ارائه داده است و نه راهی برای تشخیص جرایم مختلف نشان می‌دهد

و مخصوصاً با فسخ صریح قانون مجازات عمومی بلامتکلیفی‌ها افزایش یافت و موجب شد تا پای دیوان عالی کشور به میان کشیده شود که نظارت در حسن اجرای قوانین داشته باشد و استنباط صحیح و یکنواخت از قوانین موضوعه به عمل آید.

در حقیقت رویه قضایی بالا برای تبیین دو نکته مهم صادر شده است:

الف - منظور از جرایم مختلف چیست و در چه مواردی جرایم مختلف به شمار می‌آیند؟ آیا صدور چک بلامحل و صدور چک وعده‌دار از مصادیق جرایم مختلف می‌باشد یا جرایم مشابه به شمار می‌آیند؟

ب - در جرایم مشابه، دادرس به چه ترتیب باید کیفر را تشدید کند؟ آیا برای این تشدید می‌توان ضوابطی ارائه داد یا دادرس به دلخواه و بدون حد و مرز ممکن است آن را تشدید کند؟

۳) تحلیلی علمی رأی دیوان عالی کشور

آرای متهافت

چنان‌که توضیح داده شد در برداشت از مفهوم جرایم مختلف و نحوه تشدید کیفر در جرایم مشابه، بین شعب مختلف دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران اختلاف نظر وجود داشت. برای نمونه دو رأی متهافت که در مقدمه رأی وحدت رویه مورد بررسی آمده است در زیر نقل می‌شود:

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۶۷/۱۱۷۴ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی تهران، آقای ژرفی نژاد به اتهام صدور چندین فقره چک‌های بلامحل و وعده‌دار به موجب دادنامه ۲۱۰۲ تا ۲۰۹۱ - ۷۴/۸/۳۰ مستنداً به مواد ۷ ناظر به ماده ۳ قانون صدور چک بلامحل مصوب ۱۳۷۲ و ماده ۱۳ قانون مذکور، به تحمل چهار سال حبس تعزیری (دو سال به لحاظ صدور چک‌های بلامحل و دو سال به لحاظ چک‌های وعده‌دار) و پرداخت ۲۶۴۲۵۰۰ ریال معادل وجه بالاترین چک به عنوان جزای نقدی و به پرداخت ضرر و زیان محکوم گردیده است. در تجدید نظرخواهی به شرح دادنامه ۷۴/۱۱/۳۰ با توجه

به تصویب قانون مجازات اسلامی و الغای مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی سابق، حکم صادر شده مبنی بر تعیین مجازات بیش از حداکثر آنچه در حدود ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، موجه شناخته نشده است و در مورد بزه صدور چک‌های متعدد، در صورتی که عمل مرتکب منطبق با مواد ۷ و ۱۰ و ۱۳ قانون اصلاح چک مصوب ۱۳۷۲ باشد، با این استدلال که تعدد اعتبارات نمی‌تواند دستاویز و موجب قانونی برای تعیین مجازاتی بیش از دو سال باشد، اعتراض بر رأی پذیرفته شده و با تقلیل دو سال، تأیید شده است.

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۶۳۴۸/۷۴ و ۶۳۴۹ و ۹۹۸۹ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی تهران، آقای محمد مقدس‌زاده به موجب دادنامه‌های صادره، به اتهام صدور چندین فقره چک‌های بلامحل و وعده‌دار، با توجه به شکایت شاکی و گواهی عدم پرداخت و فتوایی اصل چک مستنداً به مواد ۳ و ۷ و ۲۲ و ۱۳ قانون چک بلامحل مصوب ۱۳۷۲، متهم را به تحمل دو سال حبس بابت چک بلامحل و یک سال حبس به جهت صدور چک وعده‌دار با احتساب ایام بازداشت و پرداخت ۷۵۰۰۰۰۰ ریال معادل ربع وجه چک ۷۸۶۲۵۹ به عنوان جزای نقدی در حق دولت محکوم کرده است با تجدیدنظر خواهی از رأی، شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه ۷۴/۱۲/۲۷ با توجه به این‌که بزه صدور چک بلامحل اعم از وعده‌دار و چک روز، بزه واحد و مشابهی می‌باشد که طبق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تعیین دو نوع مجازات برای آن‌ها مبنی بر متون قانونی نبوده، دادنامه را مخدوش تشخیص با نقص این قسمت از دادنامه تجدیدنظرخواه را از حیث یکسال حبس برای صدور چک وعده‌دار تبرئه و ثانیاً در مورد اعتراض تجدیدنظرخواه نسبت به صدور سایر چک‌های موضوع پرونده دادنامه صادره را از حیث دو سال حبس و جزای نقدی مورد لحوق صحیح تشخیص و آن را تأیید نموده است و از جهت دعوی حقوقی نیز دادنامه تأیید شده است.

۳- طبق محتویات پرونده ۳۰/۱۱/۷۴ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی تهران، آقای فریدون علی‌اصفهانی به موجب دادنامه ۱۶۱۲-۷۴/۸/۳ به اتهام صدور دو فقره چک وعده‌دار و یک چک بلامحل مستنداً به مواد ۱۳ و ۷ ناظر به ماده ۳ و ماده ۱۰ قانون صدور چک

بلامحل به تحمل سه سال حبس تعزیری (دو سال به لحاظ صدور چک بلامحل با توجه به مسدود بودن حساب و یک سال به لحاظ صدور چک وعده‌دار) و پرداخت مبلغ ۳۷۵۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم شده است. با تذکر قاضی اجرای احکام به قاضی صادرکننده رأی، مبنی بر این‌که برای جرایم متعدد ارتكابی باید طبق قانون مجازات اسلامی یک مجازات تعیین شود دادگاه صادر کننده رأی با توجه به اشتباه در تعیین مجازات، پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال داشته و شعبه چهارم تجدیدنظر استان نیز به موجب دادنامه ۱۲۲۷ - ۷۴/۱۰/۲۰ با این استدلال که جرایم ارتكابی اعم از چک وعده‌دار (مشمول ماده ۱۳) و چک بلامحل از حساب مسدود (مشمول ماده ۷ و ۱۰ قانون اصلاحی چک) فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم و مشمول ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی است و دارای وصف تعدد جرم و از عناوین مختلف است و قانون‌گذار در اصلاح قانون چک برای چک‌های وعده‌دار، تضمینی مجازات قانونی و عنوان جرم جداگانه قائل شده است که ضرورتاً تعدد اسباب تعدد مسیبات را در پی خواهد داشت، لذا تعیین دو مجازات در دادنامه بدوی را منطبق با قانون چک دانسته و با تأیید آن پرونده را اعاده داده است.

نظریه نماینده دادستان محترم کل کشور در مقدمه رأی وحدت رویه شماره

۶۰۸

در اظهار نظر نماینده دادستان محترم کل کشور نسبت به تهافت‌های موجود بین آرای شعب سوم و چهارم و ششم دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران چنین آمده است:

با توجه به این‌که اتهام متهمین صدور چک‌های بلامحل و چک‌های وعده‌دار عنوان شده است و برابر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی در صورتی که جرایم مطرح شده مختلف نباشد فقط درباره آن‌ها یک مجازات تعیین می‌گردد و تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد، گرچه چک بلامحل و وعده‌دار دارای دو عنوان قانونی است لیکن چون مشابه تلقی می‌شوند، لذا تعیین دو مجازات مختلف برای این نوع چک‌ها موافق قانون به نظر نمی‌رسد....

برای تجزیه و تحلیل علمی نظریه فوق بهتر است مفاهیم دو جرم چک بلامحل و چک وعده‌دار جداگانه توضیح داده شود.

چک بلامحل

بزه صدور چک بلامحل در ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی آن عنوان گردیده است. به موجب این ماده:

صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید...

بنابراین در موارد زیر چک بلامحل به شمار می آید:

- الف - صادرکننده چک در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل اعم از وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده‌ای نداشته باشد.
- ب - صادرکننده بعد از صدور چک تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است به صورتی از بانک خارج نماید.
- ج - صادرکننده پس از صدور چک دستور پرداخت وجه آن را به بانک بدهد.
- د - صادرکننده متن چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

مجازات چک بلامحل

کیفر صدور چک بلامحل، به شرح ماده ۷ اصلاحی قانون صدور چک عبارت است

از:

- ۱- حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال.

۲- پرداخت جزای نقدی معادل $\frac{1}{4}$ تمام وجه چک یا $\frac{1}{4}$ کسر که موجودی هنگام ارائه چک به بانک.

چک وعده‌دار

طبق ماده ۱۳ قانون یاد شده صدور چک به عنوان تضمین و یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده‌دار یا سفید امضا، ممنوع است.

مجازات صدور چک وعده‌دار

صادرکننده چک وعده‌دار به شرح زیر مجازات می‌شود:
حبس از شش ماه تا ۲ سال و یا جزای نقدی از یک صد هزار ریال تا ده میلیون ریال یعنی به یکی از این دو مجازات.

جهات مشابهت و مغایرت چک بلامحل و چک وعده‌دار

این دو بزه جهات مشابهت و جهات مغایرت دارند. جهات مشابهت آن‌ها در این است که در هر دو عنوان کلمه چک به کار رفته و هر دو بزه با شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می‌باشد و با گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف گردد. اما جهات مغایرت عبارت‌اند از:

۱- عناصر تشکیل دهنده این دو جرم با هم متفاوت‌اند.

۲- مستند قانونی این دو جرم یکی نیست.

۳- عنوان قضایی و قانونی مختلف دارند.

۴- مجازات‌های آن‌ها یکسان نمی‌باشد.

علاوه بر این‌که از حیث اجرای مقررات ماده ۱۲ قانون صدور چک نیز ظاهراً بین این دو نوع بزه تفاوت وجود دارد.

با این وصف آیا می‌توان بزه صدور چک بلامحل را با جرم صدور چک وعده‌دار یکسان و مشابه دانست و درباره کسی که به صدور دو فقره چک یکی وعده‌دار و دیگری بلامحل اقدام کرده است مقررات قسمت دوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی را جاری

کرد؟ وقتی قانون‌گذار برای اعمال ارتكابی دو عنوان انتخاب می‌کند و دو تعریف برای آن‌ها برمی‌گزیند و دو نوع مجازات تعیین می‌کند، چگونه ممکن است گفته شود که این دو جرم، مشابه تلقی می‌شوند؟^۷ آیا این برداشت اجتهاد در برابر نص نیست؟ آیا مخالف با موازین حقوقی و قضایی به شمار نمی‌آید؟ آیا این‌گونه تفسیر در جهت حسن اجرای قوانین می‌باشد؟

جرایم مشابه

در امور کیفری جرم مشابه وجود ندارد؛ هر جرمی حکم ویژه خود را داراست مگر این‌که قانونی به طور صریح جرمی را مشابه جرم دیگر معرفی کند. با فقدان نص نمی‌توان تمام یا قسمتی از مقررات یک جرم یا عناصر تشکیل دهنده و یا مجازات آن را به جرم دیگر بار نمود. در این رابطه قانون‌گذار تنها یک مورد را در حکم چک بلامحل به شمار آورده و آن را با صراحت تمام در ماده ۱۰ عنوان نموده است.

صدور چک از حساب بسته

طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱:

هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بلامحل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است.

تنها این جرم را می‌توان در حکم صدور چک بلامحل دانست زیرا قانون‌گذار صریحاً آن را مورد تأیید قرار داده است. وجود ماده ۱۰ خود دلیل بارز دیگری است که چک بلامحل، چک وعده‌دار و صدور چک از حساب بسته هر یک عنوان قضایی خاص و عناصر تشکیل دهنده ویژه و مجازات معینی دارند.

تعیین مجازات اشد و تشدید مجازات

چنان‌که گفته شد روش تعیین مجازات اشد غیر از تشدید مجازات است. در روش اول قانون‌گذار در شرایط خاص، اختیار انتخاب کیفر بین حداقل و حداکثر را از قاضی

سلب می‌کند و او را مجبور می‌سازد تا فقط حداکثر را درباره متهم مورد حکم قرار دهد و در صورت وجود کیفیات مخففه قاضی مجاز خواهد بود میزان مجازات را کم‌تر از حداکثر تعیین کند؛ به عبارت دیگر، در این روش در حقیقت برای فعل ارتكابی یک نوع مجازات ثابت منظور می‌شود. نمونه بارز آن را قانون‌گذار در ماده ۱۰ قانون صدور چک و درباره صدور چک از حساب بسته پذیرفته است که شرح داده شد.

اما تشدید مجازات چنان‌که توضیح داده شد غیر از این تأسیس حقوقی است و معنی آن عبارت است از این‌که دادرس میزان کیفر را بیش از حداکثر مقرر قانونی جرم ارتكابی تعیین کند. با این توضیح، تفاوت حکم به حداکثر و تشدید کیفر به خوبی روشن می‌شود.

ارزیابی رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور

به نظر می‌رسد که در رأی وحدت رویه صادره که می‌بایست مشکل‌گشا باشد و به دو نکته مبهم در قوانین موجود پاسخ داده شود، دیوان عالی کشور موفق نشده است رسالت تاریخی و سنتی خود را به درستی انجام دهد، زیرا از یک طرف در تعیین مصادیق جرایم مشابه راه خطا پیموده است و از طرف دیگر، معنی تشدید کیفر را با موازین قضایی به درستی انطباق نداده است. چنان‌که گفته شد اولاً، صدور چک بلامحل غیر از چک وعده‌دار است و قابل گذشت بودن هر دو جرم با گذشت شاکی خصوصی و یا موقوف شدن تعقیب در هر دو مورد با پرداخت وجه چک، دلیل بر یکسان بودن این دو جرم نمی‌باشد. ثانیاً، منظور از تشدید مجازات یعنی تعیین کیفر بیش از حداکثر مجازات قانونی عمل ارتكابی.

توجیه رویه قضایی

نظریه دیوان عالی محترم کشور از لحاظ علمی پایگاهی ندارد و از نظر سیاست کیفری خطرناک می‌باشد و امنیت ملی را تأمین نمی‌کند، زیرا هر کس یک بار مرتکب جرم شد می‌تواند ده‌ها بلکه صدها بار آن جرم را باز هم مرتکب شود، چون می‌داند مجازات عمل ارتكابی در هر حال بیش از حداکثر مجازات قانونی افزون‌تر نخواهد بود. به علاوه معلوم نیست در بزه صدور چک از حساب مسدود که قانون‌گذار دستور

داده است مجازات قانونی فعل ارتكابی حداکثر مجازات باشد، اگر با تعدد جرم مواجه باشیم چگونه باید عمل کنیم. لیکن با تمام ایرادها و نقایصی که در رأی دیوان مشاهده می شود به نظر می رسد که بسیار قابل توجیه است، زیرا وقتی قانونگذار نحوه تشدید کیفر را در قانون تعیین نمی کند و از طرفی نمی توان اختیار قاضی را در مجازات باز گذاشت، تکلیف چیست؟ ناچار باید آن را محدود کرد و چون نص خاصی برای تعیین کیفر بیش از حداکثر وجود ندارد روش دیوان عالی کشور عاقلانه و توجیه پذیر است تا قاضی از حداکثر مجازات قانونی عمل ارتكابی تجاوز نکند.

این روش چون به نفع متهم است و در جهت جلوگیری از استبداد قضایی می باشد و از تشدیدهای ناروا و بی منطق جلوگیری می کند قابل احترام می باشد تا زمانی که قانونگذار مداخله کند و روش های درست تر، عاقلانه تر و منطقی تری ارائه دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حمورابی ششمین و بزرگ‌ترین پادشاه سلسله اول دولت بابل است که سلطنت او را به بیست قرن قبل از میلاد نسبت می‌دهند. وی یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان بابل است. ولی آنچه بر اهمیت وی می‌افزاید کوششی است که در راه قانون‌گذاری به کار برده است. گرچه قوانین او طبق نوشته مورخین از قوانین قدیمی‌تر. یعنی قوانین سومری‌ها و مجموعه قوانین اشنونا اقتباس شده، ولی اهمیت حمورابی در آن است که وی نوانسته است قوانین مزبور را تحت نظم و قاعده صحیح درآورده و آن را به صورت مدونی در روی سنگ بزرگی حک نماید. این قطعه سنگ بزرگ که به صورت ستونی است در شوش به دست آمده و هم‌اکنون در موزه لور پاریس نگهداری می‌شود. قانون مزبور مشتمل بر ۲۸۲ ماده است و تمام این مواد این طور انشا شده است که: اگر کسی چنین کند چنان باید شود (حسن بیرنیا (مشیرالدوله)، تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص ۱۲۰).

۲. مجموعه قوانین حمورابی ماده ۱.

۳. همان، ماده ۳.

۴. همان، ماده ۶.

۵. برای اطلاع بیشتر تر از تاریخ پیدایش علل مخففه و مشدده رک: بررسی یک پرونده قتل، زیر نظر میشل فوکو، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶).

۶. در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۰۲۶ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «منظور از تشدید مذکور در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، این است که دادگاه مجازاتی بیش‌تر از حداکثر مجازات قانونی عمل ارتكابی برای متهم تعیین نماید». (نظریات مشورنی اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱).

هم‌چنین در نظریه شماره ۷/۸۱۴۹ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ اداره حقوقی چنین آمده است: «هرگاه جرایم مرتکب، مشابه باشد دادگاه می‌تواند به استناد ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مجازاتی بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون تعیین کند. بنابراین، چنان‌چه جرایم متعدد مشابه همگی چک بی‌محل باشد، دادگاه می‌تواند مرتکب را به یک فقره حبس تعزیری به مدت بیش از دو سال و پرداخت جزای نقدی معادل $\frac{1}{4}$ وجه چکی که مبلغ آن از وجه بقیه چک‌ها بیشتر است، محکوم نماید» (همان).

۷. اداره حقوقی قوه قضاییه بارها اظهار نظر کرده است که جرایم موضوع ماده ۱۳ اصلاحی قانون صدور چک، جرمی خاص و جدا از جرم صادر کردن چک بلامحل است و مجازات آن هم متفاوت است. به علاوه، طبق نظر مشورنی اداره مذکور، تعقیب کیفری متهم موضوع ماده ۱۳ اصلاحی قانون صدور چک منوط به ارائه گواهی عدم پرداخت از بانک محال علیه نیست و با اعلام شکایت به مرجع قضایی و عدم پرداخت وجه توسط صادرکننده جرم محقق است (همان، ج ۲).